

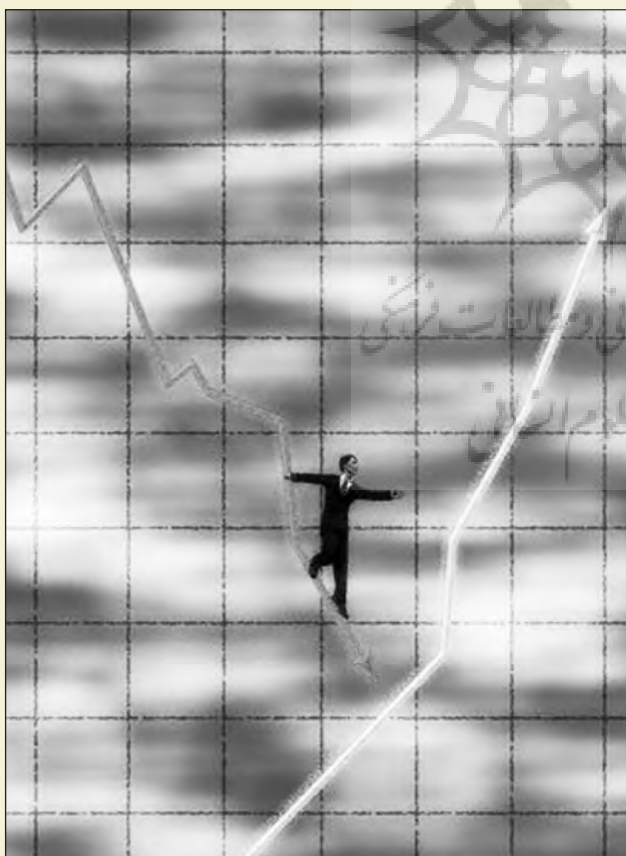
افسانه رفیعی

دانشجوی دکترای حسابداری دانشگاه تهران و کارشناس  
مدیریت تدوین استانداردهای سازمان حسابرسی

حلیمه رحمانی

دانشجوی دکترای حسابداری دانشگاه تربیت مدرس و  
کارشناس مدیریت تدوین استانداردهای سازمان حسابرسی

## فرایند خصوصی سازی



### چکیده

هدف از نگارش این مقاله تحلیل فرایند خصوصی سازی به منظور شفاف سازی ابعاد مختلف این فرایند می باشد. بدین منظور نخست به تبیین مفهوم خصوصی سازی پرداخته و سپس مراحل این فرایند را مورد بررسی قرار داده ایم. با توجه به اثرات اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی عمیق خصوصی سازی، توصیه می شود نظارت بر تمامی مراحل آن مورد توجه قرار گیرد. به علاوه برای افزایش مسئولیت پذیری و ارتقای سطح پاسخگویی، تشکیل کمیته نظارت بر خصوصی سازی متشکل از نمایندگان مردم، کارشناسان و حسابرسان بعنوان یک راهکار سودمند در شرایط کنونی پیشنهاد می شود.

واژگان کلیدی: خصوصی سازی، نظارت، مراحل، اصل ۴۴

قانون اساسی، پیامدها، کمیته نظارت.

## مقدمه

خصوصی سازی فرایندی بسیار پیچیده است و همانند یک تیغ دولبه، می تواند سودمند یا زیانبار باشد. چگونگی اجرای فرایند خصوصی سازی می تواند دستیابی به این هدف را متاثر سازد؛ اگر فرایند خصوصی شدن بخش عمومی با مکانیزمی صحیح انجام نگیرد و بر مراحل مختلف آن نظارت کافی وجود نداشته باشد، حاصل کار می تواند بنیادهای اجتماعی و مردمسالاری را نابود سازد و وضعیت اقتصادی، رفاهی و فرهنگی جامعه را با بحران جدی مواجه کند (داین<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱). از نخستین سال های آغاز خصوصی سازی در جهان، نظارت بر فرایند اجرای آن و نیز نظارت بر مرحله پس از خصوصی سازی مورد توجه بوده است. در همین راستا کارگروه حسابداری خصوصی سازی با عنوان سازمان بین المللی موسسات عالی حسابداری<sup>۲</sup> از سال ۱۹۹۳ با هدف حسابداری خصوصی سازی، و برگزاری دوره های آموزشی مرتبط شکل گرفته است. همچنین، گسترش و پیشرفت بازارهای سرمایه و ایجاد و تقویت مکانیزم های نظارتی آن ها، تلاش جهت افزایش آگاهی عمومی نسبت به پیامدهای مثبت و منفی خصوصی سازی، و تعدیل و تدوین قوانین گام های قابل توجهی در جهت برطرف ساختن موانع اجرای صحیح خصوصی سازی در سایر کشورها بوده اند. از این رو، پیش از برداشتن هر گامی به سوی خصوصی سازی، شناسایی عرصه های مستلزم نظارت، و تدوین و طراحی سازوکارهای اثربخش برای نظارت بر فرایند خصوصی سازی ضروری است.

در ایران، پس از جنگ تحمیلی، خصوصی سازی به عنوان یک راه کار مهم برای استفاده موثر از ظرفیت های اقتصادی مورد توجه دولت قرار گرفت. با اعلام سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، خصوصی سازی با سرعت بیشتری محقق می شود. اما دولت ها همواره در معرض اتهام گران فروشی و ارزان فروشی و مشکلات ناشی از خصوصی سازی برای تولید و اشتغال قرار دارند. به همین دلیل وجود یک مکانیزم نظارتی

تعریف شده برای اطمینان از اجرای مطلوب برنامه خصوصی سازی می تواند هم برای دولت و هم برای مردم یک عامل اطمینان بخش مهم باشد.

یک برنامه مدون و منطقی برای خصوصی سازی، سیستم نظارتی و کنترلی مشخص و مطلوب، تنظیم جداول زمان بندی واقع بینانه، طراحی و استفاده از ابزارهای مالی مناسب برای خصوصی سازی نظیر کوپن های خرید سهام، توجه به مرحله آماده سازی شرکت های در حال واگذاری پیش از آغاز خصوصی سازی، اصلاح قانون تجارت، فرهنگ سازی و آگاهی رسانی کافی و تشویق مردم به سرمایه گذاری در شرکت های آماده واگذاری، و بسیاری راهکارهای دیگر، می تواند به عنوان ابزارهای سازماندهی نظارت بر خصوصی سازی در ایران مطرح باشد.



این نوشتار با تعریفی جامع از خصوصی سازی و شرح مختصری از مراحل اجرای آن آغاز می شود. سپس موانع پیش روی اجرای آن و مکانیزم های نظارتی مرتبط با این مراحل مورد بررسی قرار می گیرد.

## مفهوم خصوصی سازی

خصوصی سازی را به شیوه‌های گوناگون تعریف کرده‌اند. هاروی<sup>۳</sup> (۲۰۰۴) در این رابطه نوشته است: "خصوصی سازی انتقال شرکت‌های تحت حاکمیت یا مالکیت دولتی به بخش خصوصی است که معمولاً از طریق فروش این شرکت‌ها انجام می‌گیرد." اسکات<sup>۴</sup> (۲۰۰۳) در تعریفی مشابه می‌نویسد: "خصوصی سازی تبدیل واحدهای عمومی به واحدهای خصوصی است." با این حال، خصوصی سازی مفهومی پیچیده و دربرگیرنده طیف وسیعی از نظریه‌ها و رویه‌ها است که از بسیار نظری تا بسیار عملی متغیر است. استار<sup>۵</sup> (۱۹۸۸) معتقد است که خصوصی سازی را باید از سه بعد مورد توجه قرار داد. بر همین اساس وی خصوصی سازی را نخست در قالب یک "عقیده"<sup>۶</sup>، سپس در قالب یک "تئوری"<sup>۷</sup> و در نهایت به صورت یک "رویه سیاسی"<sup>۸</sup> بررسی کرده است. نگاره شماره ۱، طبقه‌بندی را که استار برای تعریف خصوصی سازی به کار برده است نشان می‌دهد.

استار در معرفی مفهوم خصوصی سازی به عنوان یک عقیده می‌نویسد که "خصوصی" و "عمومی" نه تنها به منظور توصیف یک واقعیت بیرونی مورد استفاده قرار می‌گیرد بلکه ابزاری برای ستایش و نکوهش گروه‌های رقیب است. به اعتقاد وی در برخی موارد تمایز میان خصوصی و عمومی بودن چندان روشن نیست و کلماتی از قبیل نیمه خصوصی یا شبه عمومی بسته به شرایط اجتماعی به کار می‌روند. بنابراین، برای مشخص کردن شکل یک سازمان یا حتی ارتباط آن با دولت ذکر عمومی یا خصوصی بودن آن کافی نیست. بر این اساس، خصوصی سازی تنها یک جهت‌گیری به سمت تغییر را توصیف می‌کند، اما مقصد مشخصی را نشان نمی‌دهد.

پیش از دهه ۱۹۷۰ اصطلاح "خصوصی سازی" کاربرد چندانی نداشت. اما با قدرت گرفتن دولت‌های محافظه‌کار در بریتانیا، ایالات متحده آمریکا و فرانسه، خصوصی سازی با دو مفهوم مختلف وارد فرهنگ سیاسی و اقتصادی شد:

(۱) انتقال فعالیت و وظایف دولتی به بخش خصوصی

(۲) انتقال تولید کالا و ارائه خدمات از بخش عمومی به بخش خصوصی (استار، ۱۹۸۸). مفهوم اول می‌تواند وظایف حاکمیتی دولت را نیز دربرگیرد، اما مفهوم دوم تنها به فعالیت‌های انتفاعی دولت اشاره دارد. به نظر می‌رسد مفهومی که از اصطلاح خصوصی سازی برداشت می‌شود به تعریف دوم نزدیک‌تر باشد.

استار سرچشمه تئوری‌های هنجاری توجیه‌کننده خصوصی سازی را در دیدگاه‌های مختلف می‌داند. یکی از این دیدگاه‌ها نظریه بازار آزاد است که ادعا می‌کند هر چه دولت کوچکتر و حق انتخاب افراد بیشتر باشد، به شرط آنکه منجر به گسترش دامنه حقوق مالکانه و نیروهای بازار شود، اقتصاد کارتر خواهد بود. این دیدگاه خود به دو شاخه تقسیم می‌شود. شاخه نخست که دیدگاهی رادیکال‌تر محسوب می‌شود، خصوصی سازی را باز گرداندن حق مالکیت می‌داند. حق مالکیت حق استفاده از یک دارایی، حق تغییر شکل، محتوا و محل آن و حق انتقال تمام این حقوق است. اولین پرسشی که

### نگاره شماره ۱

#### طبقه‌بندی استار (۱۹۸۸) از مفهوم خصوصی سازی

- خصوصی سازی به عنوان یک عقیده
- خصوصی سازی به عنوان یک تئوری
- تئوری اقتصادی خصوصی سازی
- \* مدل اقتصادی ۱: خصوصی سازی به عنوان واگذاری مجدد حقوق مالکانه
- \* مدل اقتصادی ۱: خصوصی سازی به عنوان تفویض وظایف اقتصادی
- خصوصی سازی به عنوان ابزار توانمندسازی جامعه
- خصوصی سازی به عنوان ابزار کاهش اضافه بار دولت
- خصوصی سازی به عنوان یک رویه سیاسی
- زمینه‌های سیاسی خصوصی سازی
- تغییر انتظارات عمومی

وظیفه ارایه خدمات رفاهی عمومی باید به بنیادهای غیردولتی داوطلب محول شود. تئوری توانمندسازی اجتماع با انتقال وظایف بخش عمومی به بخش تعاونی طبق اصل ۴۴ همخوانی دارد و بهتر است به جای محسوب کردن آن به عنوان یکی از تئوری‌های خصوصی‌سازی، آن را تئوری تعاونی‌سازی تلقی نماییم.

آخرین تئوری که استار در توجیه خصوصی‌سازی مطرح می‌کند، تئوری کاهش اضافه‌بار دولت است. در دهه ۱۹۷۰ بسیاری از منتقدین، دولت‌های غربی را بزرگ و با عملکرد اقتصادی ضعیف معرفی می‌کردند (وایلی<sup>۱۰</sup>، ۱۹۶۹). با چنین تفکری، خصوصی‌سازی به عنوان راهکاری برای کاهش انتظارات از دولت پیشنهاد می‌شد. باتلر<sup>۱۱</sup> (۱۹۸۵) استدلال می‌کند که خصوصی‌سازی می‌تواند با هدایت اقتصاد به سمت بازار و تشویق ریسک‌پذیری، علاجه‌ی برای کسری بودجه دولت تلقی شود.

استار در بیان مفهوم خصوصی‌سازی به عنوان یک رویه سیاسی، استدلال می‌کند که خصوصی‌سازی دو کارکرد سیاسی دارد. وی معتقد است که مفهوم خصوصی‌سازی با جایگاه کشور در اقتصاد جهانی مرتبط است، به این معنی که خصوصی‌سازی در کشورهای ثروتمند به سادگی به صورت یک رویه داخلی تفسیر می‌شود، اما در کشورهای جهان سوم، که اغلب ثروت کافی در دست بخش خصوصی نیست، خصوصی‌سازی با واگذاری بخش عمومی به سرمایه‌گذاران و مدیران خارجی همراه است و اغلب نیز خصوصی شدن در پی فشارهای بین‌المللی برای کاهش دخالت دولت صورت می‌گیرد. بنابراین، زمینه‌های سیاسی در شکل‌گیری مفهوم خصوصی‌سازی نقش قابل ملاحظه‌ای دارد. از سوی دیگر، واگذار کردن بخش عمومی به بخش خصوصی سبب کاهش پاسخگویی واحدهای واگذار شده به مردم می‌شود. دولت بر اساس قواعد دموکراسی موظف است در قبال اموال عمومی پاسخگو باشد اما بخش خصوصی می‌تواند تنها اطلاعاتی راکه بازار سهام الزامی می‌کند افشا نماید. شکل خصوصی‌سازی نیز

در این رابطه مطرح می‌شود، این است که این حقوق به چه کسی یا کسانی باید واگذار شود؟ طرفداران این دیدگاه معتقدند که در صورتی که دولت حق مالکیت را محدود کند، افراد را تضعیف نموده است و افراد انگیزه کمتری برای استفاده کارا از این دارایی‌ها خواهند داشت. (استار، ۱۹۸۸). به نظر می‌رسد این دیدگاه حق رأی دادن و مشارکت عمومی و منافع ملی را نادیده می‌گیرد. شاخه دوم دیدگاه اقتصادی خصوصی‌سازی، بر انتقال وظایف اقتصادی تأکید می‌کند. این دیدگاه که میانه‌روتر و متداول تر است، خصوصی‌سازی را ابزار برقراری توازن در یک اقتصاد سه بخشی می‌داند. طرفداران این دیدگاه ادعا می‌کنند که بخش خصوصی برای تولید کالاهای سودآور، کارا تر از بخش عمومی عمل می‌کند اما نمی‌تواند از عهده وظیفه تولید کالاهای عمومی برآید.

استار در کنار تئوری اقتصادی، دو تئوری دیگر را برای توجیه خصوصی‌سازی مطرح می‌کند که عبارتند از تئوری توانمندسازی اجتماع و تئوری کاهش اضافه‌بار دولت. تئوری توانمندسازی اجتماع، به جای تأکید بر کارایی، بر توانمندسازی گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی و گروه‌های داوطلب تأکید می‌کند. برگر و نوهاس<sup>۹</sup> (۲۰۰۰) معتقدند که هر جا ممکن باشد،





- یافتن جایگزین مسؤولیت‌پذیر در بخش خصوصی (تحلیل‌های تجاری و سرمایه‌گذاری و مسأله تأمین مالی)
- تعریف مجدد محل و چگونگی خدمت‌کارکنانی که شغل، حقوق و منافع آن‌ها تحت تأثیر خصوصی‌سازی قرار می‌گیرد (مسأله منابع انسانی)
- مدیریت فرایند خصوصی‌سازی و اقدامات خاص (مسأله مدیریت)

آماده‌سازی برای خصوصی‌سازی مستلزم آموزش، سازماندهی، و بسیج چهار گروهی است که باید با یکدیگر همکاری کنند.

به عقیده هانک، این ۴ گروه عبارتند از:

- سیاستمداران: رهبران سیاسی اجرایی و مقننه
  - مردم: مصرف‌کنندگان و دریافت‌کنندگان کالاها و خدمات عمومی
  - کارکنان و مدیران دولتی: مجریان وظایف دولتی که اغلب به طور مستقیم تحت تأثیر خصوصی‌سازی قرار می‌گیرند.
  - جامعه تجاری: افرادی که مایل به خرید، اجاره یا مدیریت فعالیت‌ها و واحدهای دولتی هستند.
- مهمترین موضوع این است که گروه‌های مذکور باید نسبت به تعهدات، تهدیدها و فرصت‌های خصوصی‌سازی آگاه باشند. هدف اصلی و کلیدی خصوصی‌سازی باید حفظ منافع این ۴ گروه و پاسخگو بودن در قبال نیازها و مشکلات آن‌ها باشد. برای حفظ بهتر منافع ذینفعان خصوصی‌سازی، این فرایند می‌تواند در چهار گام اصلی انجام گیرد:

- آماده‌سازی ساختاری
- هدف‌گذاری (جهت‌گیری)
- واگذاری
- نظارت بر نتایج

نگاره شماره ۲ اجزا و مراحل هر یک از این گام‌ها را نشان می‌دهد. تمامی این مراحل باید برای یک خصوصی‌سازی موفق مورد توجه و نظارت قرار گیرد. اما دو گام نخست، یعنی مراحل پیش از آغاز واگذاری نیازمند توجه بیشتری است. مثل

می‌تواند بر مفهوم آن اثرگذار باشد. هرچند خصوصی‌سازی همواره به مفهوم کاهش منافع اقشار ضعیف جامعه نیست اما اگر واگذاری به صورتی انجام گیرد که این اقشار امکان مشارکت در آن را نداشته باشند، خصوصی‌شدن می‌تواند اثرات مخربی بر توزیع ثروت در جامعه داشته باشد. از این رو استار معتقد است هنگام تعریف خصوصی‌سازی، جنبه‌های سیاسی آن نیز باید مدنظر قرار گیرد.

با توجه به آنچه گفته شد، خصوصی‌سازی فرایندی است که می‌تواند اثرات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی قابل ملاحظه‌ای داشته باشد، بدین جهت نظارت بر این فرایند و تلاش برای هدایت آن به سمت مسیری که به عدالت اجتماعی و رشد و توسعه کشور بیانجامد، اهمیت فوق‌العاده دارد. هدف از ذکر تئوری‌های پشتوانه خصوصی‌سازی نیز پررنگ نمودن اهمیت نظارت بر این فرایند است. خصوصی‌سازی مفهومی چند بعدی است، لذا هنگام تدوین طرحی برای نظارت بر آن، تمام این ابعاد باید مدنظر قرار گیرد. در بخش بعدی با بیان چگونگی اجرای خصوصی‌سازی و مراحل خصوصی‌سازی موفق مواردی که مستلزم بذل توجه و نظارت است مورد بحث قرار می‌گیرد.

## آماده شدن برای خصوصی‌سازی

### چک لیستی برای تصمیم‌گیران

معمولاً خصوصی‌سازی در قالب سه مرحله اصلی مورد توجه قرار می‌گیرد: آماده‌سازی برای خصوصی‌سازی، اجرای برنامه‌ها و پروژه‌های خصوصی‌سازی، و اجرای توافق‌های بعمل آمده و قوانین و مقررات مربوطه و نظارت بر آن (هانک<sup>۱۲</sup>، ۱۹۸۷). مرحله آماده‌سازی برای خصوصی‌سازی مهمترین مرحله محسوب می‌شود، زیرا می‌تواند بستر مساعدی برای خصوصی‌سازی موفق ایجاد کند که به گفته هانک چهار جزء اصلی دارد:

- بررسی عملکرد سازمان دولتی و کارکنان آن (مسأله کارایی سازمانی)

معروفی است که اگر هشت ساعت برای قطع درختی فرصت داریم بهتر است شش ساعت صرف تیز کردن تیغه تبر کنیم.

## نگاره شماره ۲

مراحل چهارده‌گانه خصوصی‌سازی (هانگ، ۱۹۸۷)

## گام ۱. آماده‌سازی ساختاری

۱. سازماندهی برای خصوصی‌سازی
۲. ارزیابی شرایط سیاسی
۳. ایجاد انسجام در بخش خصوصی
۴. تدوین استراتژی‌ها و رهنمودها

## گام ۲. هدف‌گذاری (جهت‌گیری)

۱. مرور خط‌مشی‌ها
۲. بررسی وضعیت سازمانی
۳. ارزیابی تجاری
۴. تحلیل استراتژیک

## گام ۳. واگذاری

۱. برآورد ارزش
۲. انتشار شرایط و درخواست واگذاری
۳. ارزیابی و انتخاب بهترین پیشنهادها برای خرید
۴. مذاکره و اجرای واگذاری

## گام ۴. نظارت بر نتایج نهایی

۱. تدوین مکانیزم‌های نظارتی و قانونی
۲. نظارت بر عملکرد

مرحله آماده‌سازی ساختاری با سازماندهی، یعنی تعریف برنامه‌ای که دولت پیش رو دارد آغاز می‌شود. بهتر است ترسیم مسیر خصوصی‌سازی توسط مقامات عالی‌رتبه دولت انجام گیرد. پس از آن باید به تخصیص منابع مادی و انسانی کافی و

مناسب توجه شود. حجم این منابع به زمانبندی و محتوای اهداف پیش رو بستگی خواهد داشت. تخصیص منابع باید برنامه‌ریزی شده، منطقی و بهینه باشد. تشکیل تیم‌های نظارتی، و تخصیص منابع کافی برای این امر باید در این گام مورد توجه قرار گیرد. این تیم، یکی از دارایی‌های مهم خصوصی‌سازی محسوب می‌شود. وظیفه این تیم بررسی حقایق موجود، ارائه توصیه‌های لازم، تعریف فرایندهای اداری، تدوین معیارها و اهداف خصوصی‌سازی، و نظارت مستمر بر فرایند خصوصی‌سازی خواهد بود.

در مرحله ارزیابی شرایط سیاسی، محدودیت‌های قانونی، حقوقی و اقتصادی، پیامدهای بیکاری ناشی از خصوصی‌سازی، هزینه‌ها و منافع سیاسی خصوصی‌سازی و تهدیدها و فرصت‌های این فرایند مدنظر قرار می‌گیرد.

سومین مرحله از گام آماده‌سازی ساختاری، ایجاد انسجام در بخش خصوصی است. در این مرحله باید آگاهی کافی به بخش خصوصی داده شود تا آمادگی پذیرش پیامدهای مثبت و منفی خصوصی‌سازی در آن‌ها ایجاد گردد. بدین منظور برنامه‌های آموزشی لازم توسط دولت طراحی می‌گردد تا مقاومت بخش خصوصی در مقابل این فرایند کاهش و پشتیبانی و حمایت آن‌ها از طرح خصوصی‌سازی افزایش یابد. در آخرین مرحله از آماده‌سازی ساختاری، استراتژی‌ها و رهنمودهای مورد نیاز تدوین می‌شود. در این مرحله اهداف، عوامل انگیزشی از قبیل کاهش مالیات یا اعطای وام و حذف موانع قانونی مورد توجه قرار خواهد گرفت.

دومین گام اصلی پیش از آغاز واگذاری، گام هدف‌گذاری یا جهت‌گیری است. نگاره شماره ۳ درخت تصمیم‌گیری مربوط به این مرحله را تشریح می‌کند. در پایان گام دوم بهتر است گزارشی از اقدامات و بررسی‌های انجام شده در مرحله پیش از واگذاری تهیه شود و به تأیید یکی از مقامات عالی‌رتبه برسد. چنین گزارشی می‌تواند توسط تیم نظارتی تهیه شود. حصول اطمینان از اجرای مناسب و صحیح مرحله پیش از آغاز واگذاری برای اجرای موفق خصوصی‌سازی ضروری است.

نگاره شماره ۳. تصمیم‌گیری برای خصوصی‌سازی (هانگ، ۱۹۸۷)



حسابرسی سازمان یافته خصوصی‌سازی تشکیل شده است در گزارش عملکرد ده ساله خود در سال ۲۰۰۳، نظارت بر ۴ رویداد کلیدی را در مرحله واگذاری پیشنهاد می‌کند:

- ارایه اطلاعات کافی توسط فروشندگان به منظور تصمیم‌گیری اثر بخش
- فروش رقابتی برای حصول اطمینان از مناسب بودن قیمت‌ها
- بازاریابی مؤثر برای واگذاری واحدهای دولتی به منظور

تأکید بر مرحله پیش از آغاز واگذاری به مفهوم نادیده گرفتن اهمیت نظارت بر واگذاری‌ها نیست. بدون شک نظارت بر برآورد صحیح ارزش، چگونگی واگذاری، ارزیابی و انتخاب بهترین پیشنهادهای خرید و انجام صحیح مذاکرات هنگام واگذاری اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد زیرا کم‌توجهی به هر یک از این مسایل منجر به هدر رفتن ثروت‌های ملی خواهد شد.

کار گروه حسابرسی خصوصی‌سازی با عنوان سازمان بین‌المللی مؤسسات عالی حسابرسی که از سال ۱۹۹۳ با هدف

متمركز بودن نظارت به افزایش مسؤولیت پذیری و ارتقای سطح پاسخگویی کمک می‌کند، بنابراین تشکیل کمیته‌ای متشکل از نمایندگان مردم، کارشناسان و حسابرسان که نهادهای نظارتی کنونی را هدایت و مدیریت کند و سیاست‌های آن‌ها را هماهنگ و هم‌جهت سازد و از انجام اقدامات موازی پیشگیری کند به عنوان یک راهکار سودمند در شرایط کنونی پیشنهاد می‌شود.

نکته آخر نیز آن که هنگام تدوین جدول زمانبندی خصوصی سازی، اختصاص زمان کافی برای مرحله پیش از واگذاری بسیار مهم است. این مرحله نیاز به صرف زمان و منابع کافی دارد و نادیده گرفتن یا کم اهمیت تلقی نمودن این مرحله موفقیت فرایند خصوصی سازی را با تهدید جدی مواجه می‌سازد. از این رو سیاست‌های نظارتی باید نگاه ویژه‌ای به این مرحله داشته باشند.

## منابع:

- Berger P. & Neuhaus R. (2000), To Empower People; The Role of Mediating Structures in Public Policy, in Steven Ott, J. (editor) The nature of the nonprofit sector, Westview Press.
- Bourn, J. (2003), Privatisation: 10 years on, International Organization of Supreme Audit Institutions (INTOSAI): Privatisation Audit Working Group.
- Butler, S. (1985) Privatizing federal spending: A strategy to eliminate the deficit. New York: Universe Books.
- Dannin, Ellen J. (2001), White Paper on Privatization, Washington, D.C.: Economic Policy Institute, Available at <[http://www.epinet.org/real\\_media/010111/materials/Dannin.pdf](http://www.epinet.org/real_media/010111/materials/Dannin.pdf)>.
- Hanke S. H (1987), Privatization & Development, San Francisco, California: International Center for Economic Growth, Institute for Contemporary Studies.
- Harvey, C. R. (2004), Hyper textual Finance Glossary, available at <<http://www.duke.edu/~charvey/Classes/wpg/bfglosp.htm>>.
- Scott, D. L., (2003), Wall Street Words: An A to Z Guide to Investment Terms for Today's Investor, Houghton Mifflin Company.
- Starr P. (1988), The Meaning of Privatization, Yale Law and Policy Review, No. 6, PP. 6-41.
- Willey, D. (1969), Taking the Post Office Out of Politics, in House, F., Kristol, I., & Glazer, N. (editors), The Public Interest, National Affairs, PP. 57-71.
- Yonkova, A. et al (2000), Evaluation of the post-privatization monitoring system in Bulgaria, Institute for Market Economics.

## پی‌نوشت‌ها:

- |            |                       |             |
|------------|-----------------------|-------------|
| 1- Dannin  | 6- Idea               | 11- Butler  |
| 2- INTOSAI | 7- Theory             | 12- Hanke   |
| 3- Harvey  | 8- Political Practice | 13- Yonkova |
| 4- Scott   | 9- Berger & Neuhaus   |             |
| 5- Starr   | 10- Willey            |             |

ایجاد انگیزه و رقابت میان سرمایه‌گذاران بالقوه

- ارزیابی واقع بینانه قیمت پیشنهادی با توجه به معیارهای مشخص جهت اثبات صحت - شفافیت، پاسخگویی، و رعایت قانون - و اطمینان از رسیدن به اهداف خصوصی سازی

همچنین، این کار گروه معتقد است که استفاده از یک جدول زمانبندی واقع بینانه و تلاش برای کنترل عوامل خارجی مؤثر بر بازار باید مورد توجه مجریان و ناظران خصوصی سازی قرار گیرد. به علاوه، تیم‌های نظارتی، پس از واگذاری نیز وظیفه سنگینی بر عهده دارند، به ویژه در مواردی که واحد واگذار شده به صورت انحصاری عمل می‌کند یا خدمات اساسی ارایه می‌کند که بر رفاه عمومی تأثیرگذار است.

معمولاً واحدهای خصوصی شده در فرایند خصوصی سازی تعهداتی را می‌پذیرند که بررسی انجام این تعهدات توسط این واحدها نیازمند نظارت پس از خصوصی سازی است. نمونه‌هایی از این تعهدات شامل موارد زیر می‌شود (یونکوا<sup>۱۳</sup> و همکاران، ۲۰۰۰):

- محدودیت در میزان و نوع سرمایه‌گذاری‌ها
- محدودیت در تعهدات و شرایط کارمندان
- محدودیت در تعداد سهام (کاهش و افزایش سرمایه)
- محدودیت در شرایط تسویه قانونی مؤسسه
- محدودیت در فروش برخی از دارایی‌های خاص
- تعهد به اجرای قراردادهای امضاء شده قبل از خصوصی سازی
- بازپرداخت بدهی‌ها

## نتیجه‌گیری

خصوصی سازی دارای ابعاد سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی بااهمیتی است، لذا نظارت بر آن نیز باید ابعاد مختلفی داشته باشد. نظارت مؤثر و مطلوب باید ویژگی‌هایی داشته باشد که دو مورد از مهمترین ویژگی‌ها، متمركز بودن و داشتن اختیارات و قدرت کافی برای نظارت بر تمامی مراحل و ابعاد این فرایند است.